

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

عرض کردیم مرحوم آخوند خراسانی فرموده‌اند امارات قائم مقام قطع موضوعی - نه قطع موضوعی طریقی و نه قطع موضوعی وصفی - نمی‌شود. دلیل بر این‌که چرا قائم مقام قطع موضوعی وصفی نمی‌شود را در جلسه گذشته عنوان کردیم؛ باقی ماند کلام و دلیل ایشان بر این‌که چرا امارات قائم مقام قطع موضوعی طریقی که گاه از آن به قطع موضوعی کشفی تعبیر می‌کنند، نمی‌شود؟

دلیل مرحوم آخوند بر این که امارات قائم مقام قطع موضوعی طریقی نمی‌شوند

مرحوم آخوند در این مورد نیز عین همان دلیلی که برای قطع موضوعی وصفی آوردند را ذکر کرده و می‌فرماید: قطع موضوعی کشفی بالاخره چون عنوان موضوعی دارد (شارع آن را در موضوع حکم اخذ کرده است)، کموضوع من الموضوعات است؛ و دلیلی که دلالت بر حجیت اماره دارد، هیچ نظری به این ندارد که اماره می‌تواند جانشین موضوعی از موضوعات شود یا نه. البته در اینجا نیز اگر دلیل دیگری غیر از دلیل حجیت اماره که دلالت بر تنزیل داشته باشد را داشتیم، ما از آن تبعیت می‌کردیم؛ اما الان فرض بحث ما این است که غیر از دلیل حجیت اماره، هیچ دلیل دیگری نداریم. و دلیلی هم که می‌گوید خبر واحد حجت است، هیچ وقت نمی‌آید خبر واحد را قائم مقام این قطع قرار دهد؛ آن دلیل فقط دلالت بر حجیت دارد؛ دلالت بر منجزیت و معذرت دارد؛ می‌گوید اگر به خبر واحد عمل کنید، در صورتی که مطابق با واقع در آید، منجز و اگر مخالف با واقع باشد، معذرت. لذا، مرحوم آخوند می‌فرماید: ما هستیم و دلیل حجیت اماره؛ دلیل دیگری هم که دال بر تنزیل باشد، نداریم؛ لذا می‌گوئیم اماره قائم مقام قطع موضوعی طریقی نمی‌شود.

اشکال و جواب

اینجا گویا کسی به ایشان اشکالی می‌کند و ایشان نیز در مقام جواب از اشکال بر می‌آید.

اشکال این است که خود دلیل حجیت اماره کفایت می‌کند و برای تنزیل، نیازی به دلیل دیگر نداریم. به این بیان که دلیل حجیت اماره، آن را به منزله قطع قرار می‌دهد؛ اماره يك دليل ظنی است، خبر واحد، بیّنه و سایر امارات نیز عنوان ظنی دارند؛ اماره مفید برای ظن است و معنای ظن این است که ما احتمال خلاف هم می‌دهیم؛ هنر و اثر دلیل حجیت اماره این است که این احتمال خلاف را الغا می‌کند؛ وقتی دلیل حجیت اماره می‌گوید خبر واحد حجت است، معنایش این است که به این احتمال

خلاف اعتنا نکن. در این صورت، معنایش این است که دلیل حجیت اماره، می‌آید اماره را به منزله علم قرار می‌دهد و می‌گوید همان نگاهی که به علم می‌کنید، همان آثاری را که برای علم و یقین و قطع مترتب می‌کنید، همان آثار را بر اماره نیز مترتب کنید. وقتی اماره نازل منزله علم شد، می‌گوییم فرقی نمی‌کند که این علم، علم طریقی باشد یا علم موضوعی؛ قطع طریقی باشد یا قطع موضوعی؛ فرقی نمی‌کند که اثر مترتب، اثر عقلی باشد یا اثر شرعی. به بیان دیگر، وقتی اماره قائم شد، همه آثار قطع باید بر این اماره مترتب شود؛ چه آثار عقلیه و چه آثار شرعیه.

و هذا معني تنزيل الأمانة منزلة القطع. جواب: مرحوم آخوند در جواب می‌فرماید: ما اگر بخواهیم بگوئیم اماره، هم نازل منزله قطع طریقی است و هم نازل منزله قطع موضوعی، يك تالی فاسد مهم دارد و آن این که اجتماع لحاظین - لحاظ آلی و لحاظ استقلالی - لازم می‌آید. می‌فرمایند: در جایی که می‌گوئیم اماره قائم مقام قطع طریقی است، خود اماره و خود قطع، به عنوان طریق الی الواقع مورد نظر است. به عبارت دیگر، مؤدی اماره و آن واقعی که قطع به آن پیدا کردیم، (مقطوع به) اصالت ندارد، آنچه که اصالت دارد خود واقع است؛ در این صورت، قطع ملحوظ به يك لحاظ آلی می‌شود؛ یعنی اینها آلت و وسیله هستند برای این که به واقع برسیم. حال اگر اماره نیز بخواهد جای قطع طریقی بنشیند، آن نیز ملحوظ به لحاظ آلی می‌شود؛ اما اگر خواستیم قطع را قطع موضوعی قرار دهیم، چون در خود موضوع دخالت دارد، ملحوظ به لحاظ استقلالی است؛ یعنی شما در هر جایی اگر موضوع را بخواهد تصور و لحاظ کنید، آن را به لحاظ استقلالی لحاظ می‌کنید.

آن وقت مرحوم آخوند می‌فرماید: اگر بخواهیم بگوئیم دلیل حجیت اماره (دلیلی که دلالت دارد بر این که اماره حجیت دارد) می‌آید اماره را هم جای قطع طریقی می‌نشانند و هم جای قطع موضوعی، لازمه‌اش این است که شارع اماره را هم به لحاظ آلی لحاظ کند و هم به لحاظ استقلالی. به عبارت دیگر، مرحوم آخوند می‌فرماید: ما دو چیز لازم داریم: یکی منزل (اماره) و دیگری منزل علیه (قطع و یقین)؛ اگر بخواهیم بگوئیم این تنزيل هم در قطع طریقی است و هم در قطع موضوعی، چون قطع طریقی ملحوظ به لحاظ آلی است، پس باید اماره را به لحاظ آلی لحاظ کنیم؛ و چون قطع موضوعی ملحوظ به لحاظ استقلالی است، باید اماره را به لحاظ استقلالی لحاظ کنیم؛ و هذا محال. خلاصه جواب مرحوم آخوند از اشکال این شد که اگر دلیل اعتبار اماره بخواهد اماره را هم جای قطع طریقی و هم جای قطع موضوعی بنشانند، اجتماع لحاظین متغایرین (لحاظ آلی و استقلالی) در يك شیء واحد لازم می‌آید. بعد می‌فرماید: نعم، اگر ما برای این لحاظین يك قدر جامعی داشتیم، آن را اخذ می‌کردیم؛ اما فرض این است که بین این دو لحاظ قدر جامعی وجود ندارد.

اشکال: باز مستشکل می‌گوید: شما می‌گوئید دلیل حجیت اماره قدرت دو تنزيل را ندارد؛ این قدرت را ندارد که اماره را هم قائم مقام قطع طریقی قرار دهد و هم قائم مقام قطع موضوعی؛ و بلکه قابلیت یکی از این دو تنزيل را دارد. خواهیم گفت: پس، برای هر کدام از اینها قرینه می‌خواهیم و در هر مورد به همان قرینه اخذ می‌کنیم؛ اما بدون قرینه، دلیل از این نظر مجمل است و لا يمكن الأخذ به.

جواب: مرحوم آخوند در جواب می‌فرماید: برای این که اماره قائم مقام قطع طریقی باشد، نیاز به قرینه نیست؛ بلکه متبادر و انصراف به این دارد؛ اما اگر بخواهد دلالت بر قیامش مقام قطع موضوعی باشد، نیاز به قرینه است. آخرین مطلبی که مرحوم آخوند فرموده‌اند، این است که لولا محذور اجتماع لحاظین، ما قائل می‌شدیم که اماره قائم مقام تمام اقسام قطع می‌شود؛ اما چیزی که ما را وادار می‌کند بگوئیم اماره بجای قطع موضوعی نمی‌نشیند، همین محذور است. این تمام کلام مرحوم آخوند در کفایه است؛ اما ایشان قبل از «کفایه» در حاشیه رسائل نظر دیگری داشتند و می‌گفتند که اماره قائم مقام تمام اقسام قطع می‌شود؛ هم قطع طریقی، هم قطع موضوعی کشفی و هم قطع موضوعی وصفی.

در حقیقت، مطلب «کفایه» عدول از مطلبی است که در حاشیه رسائل دارند. بنابراین، لازم است بیان مرحوم آخوند در حاشیه رسائل را هم ذکر کنیم و ببینیم که چرا در آنجا به این نتیجه رسیده‌اند؛ البته باید گفت که این هنر اجتهاد است و يك فقیه و

اصولی در یکجا به يك نتیجه می‌رسد و در جای دیگر خلاف آن را می‌گوید. قوت اجتهاد این است که بحث‌ها دائماً در جریان باشد. مرحوم آقای خویی قدس سره مدت زیادی از عمر علمی‌شان قائل بودند به این که اسناد کامل الزیارات اعتبار دارد و برای فقیه قابل استناد است (یعنی توثیق عامه را قبول داشتند)، منتهی در هفت، هشت سال آخر عمر شریفشان از این نظریه برگشتند و باعث تغییر بسیاری از فتاوی‌ای ایشان شد. کلام مرحوم آخوند در «حاشیه رسائل» را ملاحظه کنید که چون حرف دقیقی است و نیاز به توضیح دارد، شاید وقت اجازه ندهد که این را عرض کنیم. مرحوم نائینی نیز اشکالاتی را بر مرحوم آخوند کرده‌اند؛ امام رضوان الله تعالی علیه نیز می‌فرماید: ثبوتاً قیام اماره مقام تمامی اقسام قطع امکان دارد، اما برای اثباتش دلیل لازم داریم؛ اشکالات موجود در کلام مرحوم آخوند را هم رد کرده و جواب داده‌اند. انشاء الله فردا ادامه مطلب را بیان می‌کنیم.